



سِرِّ مسلکِ باب در مهدویت

نگارش:

سید محمد باقر حجازی

به اهتمام:

محمدرضا روستا

بهار ۱۳۹۰

سرشناسه	: حجازی ، محمد باقر.
عنوان و نام پدید آورنده	: سرسلک باب در مهنویت نگارش محمد باقر حجازی به اهتمام محمد رضا روستا.
مشخصات نشر	: تهران : راه نیکان ، ۱۳۸۹ .
مشخصات ظاهری	: ۱۶۸ ص.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۹۸-۳۴-۰
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه: ص ۱۶۷ - ۱۶۸
موضوع	: محمد بن حسن (عج) امام دوازدهم ، ۲۵۵ق - .
موضوع	: مهنویت -- دفاعیه ها و ردیه ها
موضوع	: بهائیکری -- دفاعیه ها و ردیه ها
موضوع	: مهنویت در ادیان
شابک افزوده	: روستا، محمد رضا، ۱۳۴۳، گردآورنده
رده بندی کنگره	: ۱۳۸۹ ق ۳۴ / ج ۲۲۴ BP
رده بندی دیوبی	: ۲۹۷/۴۶۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۰۸۴۴۰۹



نشر نیکان

بخش سلک شناسی

سرسلک باب در مهنویت

نگارش : محمد باقر حجازی

به تحقیق : محمد رضا روستا

چاپ اول : ۱۳۹۰ شمارگان : ۲۰۰۰ نسخه

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۹۸-۳۴-۰ ISBN : 978-964-2998-34-0

قیمت : ۳۰۰۰ تومان

شماره ثبت مجوز : ۱۰۷۵۶۱۵

Info@nashr-nikan.com
www.rahenikan.com

توضیحی پیرامون مجموعه حاضر

در هجدهم ماه مهر ۱۳۲۳ درست ابتدای ۹۹ سال بعد از اینکه کینیاژ دالگورکی به سفیرکبری روس تزار در ایران انتخاب شد، رساله‌ای پیرامون فتنه‌ای که در دوره منشی‌گری سفارت آغاز کرده و به بابیت انجامید، به نام «اسلام و مهدویت و سر مذهب باب» که به گفته مؤلف آن بخشی از «آئین راستی» تألیف آقای سید محمد باقر حجازی بود، به طور مستقل در رد مسلک بابیه و بهائیه به چاپ رسید. چون اصلاح اشتباه اطلاق «مذهب» به دست ساخته‌های استعمار از جمله ضروریات است، ما به لحاظ قداست واژه «مذهب» که مخصوص ادیان آسمانی است، در تجدید چاپ، عنوان «سر مسلک باب در مهدویت» را انتخاب کردیم.

در مورد مؤلف اطلاعاتی در دست نیست؛ لکن کتاب در ۱۴۷ صفحه رقعی ۶۶ سال پیش به چاپ رسیده و به لحاظ تدبیر حکیمانه مربی فقیهان، استاد مجتهدان آیت الله العظمی حاج آقا حسین بروجرودی که در حفظ میراث علمی چاپ شده مؤلفان ضد بهائی، دستور اکید داده بودند از هرگونه حوادث تخریبی حامیان بهائیت که

می‌کوشیدند تحقیقات رسواکننده این فرقه گمراه گمراه کننده را از بین ببرند، دور نگاه دارند مجموعه حاضر به لحاظ این تذکر حکیمانه از هر گزندی محفوظ ماند و ما توانستیم نسخه موجود در کتابخانه مسجد اعظم را تجدید چاپ کنیم.

با ادای احترام به نام مبارک آن مرجع اعلای دین که شجاعانه در مقابل حمایت‌های همه جانبه و بی دریغ رژیم پهلوی از بهائیت ایستاد و مبارزه با دین سازی استعمار را پایه گذاری کرد. و تشکر از کارکنان کتابخانه مسجد اعظم قم مقدسه خاصه جناب حجة الاسلام آقای شیخ اسماعیل رهنورد. و سپاس فراوان از صدیق فاضل بلندپایه ام آقای سیدعلی رضا طباطبائی علوی پیرو جردی که در ایام کسالت سخت برخلاف دستور اکید پزشکان معالج به قم مشرف شده، چند نسخه مورد نظر و کتاب حاضر را از کتابخانه مسجد اعظم تهیه نمودند. در تجدید چاپ تا حدودی که رساله اجازه می داد رجال نامبرده معرفی شدند.

معنای لغات در پاورقی یا داخل قلاب در متن آورده شد.

سوره آیات مشخص گردید.

اسناد احادیث نیز در پاورقی صفحات عنوان گردید.

توفیق خود و همه آنهایی که در نشر معارف مهدویت، اصل اصیل اصول تشیع همتی دارند و مهدی ستیزان را می شناسانند، از پیشگاه رب جلیل در ظل توجهات حضرت امام قائم غائب موعود موجود حجة بن الحسن عسکری - ارواحنا فداه - خواهانم و از خوانندگان عزیز استدعا دارد دعای توفیق خیز خود را بدرقه راه حامیان کیان مهدویت نمایند.

سخنی از ناشر

پاکسازی جامعه اعتقادی از دسیسه‌های استعمارگران سلطه‌جو همانند تهذیب نفس و تطهیر باطن از آلاینش هواهای نفسانی و تعلیمات دنیوی، اگر نگوییم از اهم مهمات و صایای ادیان الاهی برای بشر بوده است، باید پذیریم که از جمله ضروریاتی همانند فرائض دینی به‌شمار می‌رود. زیرا دست ساخته‌های مسلکی شبه‌دینی دشمنان سعادت بشر، امت اسلامی را دستخوش افراط و کجراهه‌هایی می‌نماید که به‌پیدایی گروه‌های گمراه‌کننده می‌انجامد - که انجامیده است - کج‌فهمی از دین، رو به‌رشد گذاشته، چهره اسلام را با بدعت مخدوش می‌سازد، مسلمانی را از راه و روشی که شارع معین کرده، منحرف می‌نماید. نتیجتاً جامعه اسلامی را به‌سمت و سرنوشتی می‌کشد که استعمار خاطرخواه اوست. در حقیقت فریب خوردگان را سرگرم دست ساخته خود می‌نماید. و چون مسلمان از تنقید به‌استناد آموزه‌ها از کتاب و سنت ائمه اهل بیت - علیهم‌السلام - فاصله گرفت، اسیر ذوقیات ملی و سلیقه‌های دینی ملل دیگر می‌شود. و مسلماً جامعه اسلامی را با انبوهی از خرافات تأمین‌کننده خواسته‌های استعمار

مواجه می‌سازد؛ که حتی بازگویی ناقدانه و منع و مانع‌تراشی محققانه یا ناصحانه‌ی دلسوزانه در مقابل ساخت و ساز آنچه در بین مسلمانان رواج داده‌اند، به‌سرسختی بیشتر فریب خوردگان می‌انجامد. و جامعه اسلامی با همین پذیره‌های شبه‌دین استعماری گرفتار توطئه‌هایی می‌شود که هدف اصلی آن نفی کامل هویت اسلامی و تأکید بر هویت ملی و باستانی است. که اثر این سیاست شوم استعمار مانند آثار نکبت‌بار و ذلیلانه فتنه جدائی دین از سیاست است.

درست است که انقلاب شکوهمند اسلامی این روند استعماری را متوقف کرد، ولی وظیفه بازسازی را نیز لازم و ضروری اعلام نمود؛ که اگر خرابی زدائی جنگ تحمیلی یا حوادث غیرمترقبه از وظایف است، پاکسازی دیانت حقه از آنچه فرقه‌ها و مسلکها، احزاب و تشکل‌های سیاسی وابسته به آن ریط داده‌اند، وظیفه‌ای مهم‌تر و خطرتر از بازسازی شهرهای جنگ‌زده است. زیرا اسلام آن کاریکاتوری نیست که اغلب در رسانه‌های غربی تصویر می‌شود. و آن نیست که صوفیه، اسماعیلیه، زیدیه و شیخیه تعریف کرده، هرکدام به‌تنهایی زمینه‌ساز مسلکی ضداسلامی مانند وهابیت و بابیت، بهائی‌گری و قادیانی‌گری را فراهم آورده‌اند.

زیرا اسلام نه این که امام‌سازی و خدا‌تراشی نمی‌کند، بل همه بشر را تحت نام یک خدا در آغوش می‌گیرد. در حقیقت همان‌طور که اعتقاد دارد مردم باید در انتخاب مذهب خود آزاد باشند و هیچ دینی نباید به مردم تحمیل شود، اجازه هم نمی‌دهد صوفیه با قطب دست ساخته خود ابلیسی آدم‌رو را در موقعیت امام مورد احترام و کرنش قرار دهد.

زیدیه و اسماعیلیه امام تراشی کنند، و شیخیه معرفت رکن رابع ساخته ذهن مریض شیخ احمد احسائی را به عنوان «نوکور مقرب» ناطق واحد، شرط معرفت به سه رکن توحید، نبوت و امامت معرفی کند.

یا استعمار برای حضرت امام قائم غائب موجود موعود شیعیان باب سازی کند؛ که مقدمه ای برای ادعای خدائی شود. خدای زمینی آلوده به فساد اخلاقی، فساد سیاسی، فساد مالی که زائیده شده و زنائی به واسطه او زائیده اند.

به همین خصوصیت ضد فسادی آئین مقدس اسلام نشر راه نیکان تصمیم گرفت ذخیره شده های تحقیقی علمی را - که با این نوع فتنه های استعمار برخورد کرده اند - با تجدید چاپ زنده نگاه دارد. و در مقابل اینکه، مبلغین پایه و بهائیه رواج داده اند اگر بهائیت یک مسلک شبه دینی باطل است که استعمال ساخته، چرا مخالفتی علمی با آن صورت نگرفته؟ گفته باشیم از روزی که فتنه باب و در پی آن بهائیت ایمان سوزی کرد، محققان اسلامی قاطعانه با آن برخورد کرده و می کنند. که این معنای واقعی انتظار و تعریفی جامع از فیاض بودن «افضل اعمال انتظار فرج است» می باشد. خدایار مدافعان ولایت با امامت و مولا نگهدار آنهائی باد که در مقابل فتن ایام عیبت، جان برکف ایستاده اند! «این دعا را از همه خلق جهان آمین باد»

به گیتی مزین جز به نیکی نفس قدم زن تو در راه نیکان و بس

مدیر

نشر راه نیکان

فهرست

۵	توضیحی پیرامون مجموعه حاضر
۷	سخنی از ناشر
۱۳	پیش‌نوشتار
۱۹	مسلمان مسئول زندگی فردی، اجتماعی است
۲۲	با مسلک‌های ساخته استعمال
۲۶	سبک دین‌سازی مقابله‌کننده با مهدویت
۳۱	آغاز رساله سرّ مسلک باب در مهدویت
۳۳	دیباچه
۴۵	حدّ کمال در ادیان
۵۶	اسلام و انتظار فرج
۶۱	مذهب تشیع یا طریقه امامیه و اثنی عشریه
۸۳	متمهدی‌ها
۹۰	فتنه باب

مذهب باب و یادداشت گینیاژ دالگورکی	۹۶
۱- تاریخچه مذهب باب و بهاء	۹۶
۲- مسلک بهائی	۱۰۲
۳- ملیت در نظر بهائی	۱۰۶
۴- تشکیلات مسلکی بهائیان	۱۰۷
۵- محفل ملی محلی	۱۰۹
گزارش گینیاژ دالگورکی	۱۱۷
فهرست مأخذ و مسانید مصحح	۱۶۷

پیش‌نوشتار

امروز که عده‌ای قاطعانه برای انعطاف‌پذیری در پی دلیل و برهان قانع‌کننده‌اند، تا مشروعیت سازش در این زمینه را به بهانه یکی از لازمه‌های ضروری طرح «گفتگوی تمدن‌ها» ولو به دستکاری شریعت بینجامد، با این بهانه که مجموعه‌ای از قوانین، خشک و اضافی است، عملی سازند، دلیل می‌آورند: درست همانطور که دموکراسی سبب ارتقاء صلح می‌شود و تبادل آموزشی موجب توسعه صلح می‌گردد، خشک‌زدائی از شریعت اسلامی می‌تواند سبب به وجود آمدن روابط، دوستی‌ها و تفاهم گردد!!! و هرچه این تعامل فراهم شود، از فاصله‌های ادیان کاسته گردیده، درست همانطور که دموکراسی و تبادل آموزش سبب ارتقاء صلح می‌شوند، به تصور غلط این گروه خشک‌زدائی از احکام اسلامی، موجب توسعه آشتی‌های مذهبی، ملی و سیاسی شده، زمینه جهانی‌سازی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها با یک فرهنگ و تمدن که مهم‌ترین عنصر برای راه حل دیگری بین مذاهب است فراهم می‌آید.

ولی غافل از آن که آنچه روشنفکوان فراری از مرکز اسلام ناب، ایران شیعه «ام‌القرای» جهان اسلام، در تعریف احکام اسلام «خشک» تشخیص داده و «خشک‌زدائی» را مطرح کرده‌اند، همان احکام مترقی دین مبین است که مانع خودرانی و بدعت‌آوری در دین می‌باشد. و اگر به‌بهانه «خشک‌زدائی» از دین عملی گردد، اصالت‌های دینی ضربه‌های جبران‌ناپذیری، می‌بیند. مهم‌تر در حاشیه این اقدام مورد پسند روشنفکرانی که هم می‌کوشند مانع خشک‌زدائی سلیقه‌ای اسلام را برطرف سازند و هم از بدنامی تطبیق، بل تحریف اسلام به‌روزگریزانند، مسائل کهنه شده‌ای مطرح می‌شود که انگلیس و آمریکا، احبار یهود و اسقف‌های مسیحی را تأمین می‌کند. مسائلی با این حصارشکنی دینی که خواست دشمنان اسلام است، به‌زبان‌ها گفته و به‌قلم‌ها نوشته می‌شود، جز فتنه‌خیزی همراه نخواهد داشت. عجیب در این واقعیت تلخ است، در حالی که می‌آموزیم ارزش‌های دیگر تمدن‌ها را تحمل کنیم و به‌لحاظ مراعات طرح بی‌خاصیت گفتگوی تمدن‌ها به‌آن‌ها احترام گذاریم، از ارزش‌های مشترک و جهانی راستین میراث ابراهیمی هم عبور می‌کنیم! تا خواست «وطن‌پرستی» را که بهائیت مأمور به آن شده است به «خداپرستی» ابراهیمی که امروز فقط اسلام به آن اصرار دارد از دست بدهیم. مهمی را که پیامبران برای آن مبعوث شده‌اند و یگانه سد تسلط استکبار بر جهان می‌باشد، فدای مسائل حاشیه‌ای گفتگوی تمدن‌ها سازیم. در صورتی که بهتر است سرنوشت‌سازی بین نیروهای افراط‌گر و نیروهای میانه‌رو، نیروهای

ديكتاتورى و نيروهاى دموكراسى، بين كثرت گراني و خشك مغزى را با اسلام فراهم آوريم تا مانند گذشته گرفتار فرقه سازى تزار و حمايت انگليس نشويم.

اگر آن روز كه انگليس مكار كهنه كار، از مسلك سازى روس تزار بهره بردارى سياسى خود را آغاز كرد، با هوشيارى دور از هر سليقه در پى حكم پيشوايان بيدار خود، مسأله تكفير شيخ احمد احسانى را جدى مى گرفتند، فريب مخالفت كاظم رشتى با احسانى را نمى خوردند، بعد از حمايت آشكار امپراطورى عثمانى از رشتى او را به روسيه زادگاهش باز مى فرستادند، مانع مى شدند شيخيه شكل رسمى انشعابى به خود بگيرد، بدون ترديد بآيه اى به وجود نمى آمد كه به فتنه ازليه و بهائيه پيچيد. اصل خطرناك جداسازى مردم از روحانيت كه يكي از نتايج مسلك سازى شبه دينى است - و تعريفى ديگر از جدائى دين از سياست است - صورت نمى گرفت، امروز با فتاوى مصلحتى بعضى مدعيان فقاقت، پيرامون تساوى زن و مرد كه شرع انور حدود و ثغور آن را معين كرده، مواجه نبوديم. در حقيقت قانونى از قوانين دينى دستكارى نمى شد كه آغاز حركتى خطرناك به نام «خشك زدائى» احكام دينى باشد. و زمزمه هاى از قبيل سرسپردگى جنسى، دستكارى احكام اسلامى به عنوان و بهانه اينكه ضرورى زمان است و جمع بين سنت گرايى انعطاف ناپذير و مدون گرانى سازشكار كه هر روز به نوعى و شكلى به اجرا گذاشته مى شود، شنيده نمى شد. مؤمنان جامعه اسلامى با برچسب

«خشک اندیشی» به لحاظ حرمت و تعظیم و تجلیل از «مردن گوانی» توهین و تحقیر نمی شدند. تا پسران مانند دختران آرایش کنند و با قیافه های مشمژکننده در اجتماع حاضر شوند و...

.... در صورتی که جامعه اسلامی می تواند با تبعیت از قرآن و سنت رهبران آسمانی خود - که ماهیت اسلام در این دو میراث همیشه با هم و خوشبختی آفرین رسول خدا گنجانده شده - نه فقط مرفی ترین جامعه بشری شناخته شود، بل به تضادهای داخلی که بهترین وسیله مداخله استعمارگران سلطه جو در امور آنان می باشد، خاتمه دهد. در حقیقت مسلمانان می توانند بدون طرح های ناشناخته ای مانند «گفتگوی تمدن ها» با توجه به مینا و اندیشه «دین عین سیاست و سیاست عین دین است» اصلی ترین نیروهای شکل دهنده آینده انسانیت باشند. و غرب می تواند بدون دستیاری سیاست سیاه استعمار و گرفتار نشدن به فتنه هائی نظیر وهابیت، بابیت و بهائیت با پیروی از برنامه های مرفی دین مبین اسلام، جوامع اسلامی خلا موجود بین خود و جامعه مسلمانان را پُر کنند. همان چیزی که ممکن است نبرد حماسی قرن بیست و یکم را به راه اندازد. عالمان و رهبران دینی جهان اسلام که در فقدان قدرت - سیاسی، فکری، اقتصادی - جامعه از زمان آغاز عصر استعمار به سوک نشسته اند، از عزا درآمده، برای رها ساختن جوامع اسلامی از نفوذ عقاید و سنت های ضداسلامی مخرب اطلاعاتی دنیا حرکت خود را آغاز کنند. مانند مجدد و مصلح کبیر حضرت امام خمینی، جهان اسلام را از قید برنامه های دین سازی و مسلک آوری

استعمار رها سازند، در حقیقت مسلمانان را از نقشه‌ها و طرح‌های تخریبی اعتقادی دست ساخته‌های استعمار رهایی بخشند. نه از قطب‌زدگی در جامعه شیعه و سنی خبری بماند و نه از رکنی‌گری شیخیه در تشیع اثری. **وہابیت و یہائیت** به ارادہ انسان‌های سعادتمخواہ بشر بہ گور بیزاری سپردہ شدہ، وعدہ مدینہ فاضلہ تحقق یابد.

خاک پای شیعیان

محمد رضا روستا

۱۶/ اردیبهشت ۱۳۸۹

www.ketab.ir